

جهانیان، وامدار ایران زمین هستند

در دل تاریخ کهن بشری، نام ایران چون خورشیدی تابناک می‌درخشد؛ سرزمینی که نه تنها از حیث جغرافیایی گسترده بود، بلکه از نظر تمدن، فرهنگ، دانش، و معرفت نیز سرآمد تمام ملل آن دوران و سرچشمه بسیاری از داشته‌های علمی و فرهنگی امروز جهان به شمار می‌آمد.

آغازگر این شکوه بی‌بدیل، کوروش بزرگ بود؛ پادشاهی که با خرد، عدالت و مهربانی، امپراتوری‌ای را بنیان نهاد که نه بر زور، که بر حقوق انسان و آزادی مردمان استوار بود. منشور کوروش که نخستین بیانیه حقوق بشر جهان شمرده می‌شود، نه تنها نجات‌بخش ملت‌های تحت ستم آن روزگار شد، بلکه الگویی شد برای آیندگان.

پس از کوروش، داریوش بزرگ به پاخاست؛ نابغه‌ای سیاسی، اقتصادی و اداری که شاهکارهایی چون سیستم‌های پیشرفته مالیاتی، جاده‌های سراسری، ساخت کانال سوئز باستانی، شبکه‌های ارتباطی پیک‌رسانی و سازماندهی ادارات مرکزی را بنیاد نهاد. داریوش، علاوه بر فرمانروایی بی‌نظیر، پشتیبان پُرقدرت دانش و آموزش نیز بود. او دانشگاه‌ها و مراکز علمی را گسترش داد، معابد و کتابخانه‌ها را بنا نهاد، و استادانی بزرگ را حمایت کرد.

خشیارشا، فرزند داریوش، این مسیر را ادامه داد. در دوران او، ایران نه تنها یک امپراتوری سیاسی، بلکه یک امپراتوری علمی-فرهنگی بود. از دل این تمدن، هزاران اندیشمند، معمار، پزشک، ستاره‌شناس، هنرمند، شاعر و استاد بیرون آمدند که مسیر دانش را در جهان گسترده کردند.

دانشمندان ایرانی به هند سفر کردند و آیین‌های ودا را به گونه‌ای عمیق‌تر به آنان آموختند. در چین، از مفاهیم زرتشتی همچون «فروهر» الگوبرداری شد و بعدها در قالب «یین و یانگ» و تائو تجلی یافت. در مصر و میان‌رودان، مهندسان ایرانی در ساختن بناهای شگفت‌انگیز و سیستم‌های آبیاری مشارکت داشتند. در روم و یونان، استادان ایرانی، فلسفه، نجوم، طب، اخلاق و سیاست را آموزش دادند. بسیاری از مفاهیمی که امروز به افلاطون، سقراط، ارسطو، بقراط یا جالینوس نسبت داده می‌شود، ریشه در حکمت ایرانی دارد.

همچنین، مکتب حکمت خسروانی به‌عنوان یک سیستم فلسفی و عرفانی پیش از افلاطون و ارسطو شکل گرفته بود. اندیشه‌های مانوی، مزدایی، زروانی، و زرتشتی، پایه‌گذار بسیاری از مفاهیم وجودشناسی و اخلاقی شرق و غرب شدند. دانشگاه‌ها و مراکز علمی همچون گندی‌شاپور، نه تنها در دوران ساسانی، بلکه تا قرون اولیه اسلامی، از معتبرترین پایگاه‌های علم در جهان بودند. پزشکان، ریاضی‌دانان و منجمان از سراسر دنیا برای آموزش گرفتن به ایران می‌آمدند. بعدها، همین اساتید ایرانی بودند که در دوران اسلامی نیز دانش را به جهان اسلام، هند، عثمانی و اروپا رساندند.

بنابر این، حقیقتی انکارناپذیر آن است که جهان امروزی، از یونان و چین گرفته تا هند و روم، از عثمانی و اروپا تا سرزمین‌های شرقی و غربی، همگی مدیون علم، اندیشه، حکمت و انسانیت بزرگان ایران زمین هستند. امروز نیز اگر کسی به‌راستی در پی کشف ریشه‌های تمدن، دانش، فلسفه، و اخلاق است، باید گام در سرزمین مقدس ایران نهد؛ سرزمینی که نه تنها گهواره تمدن، که مادر علم و خرد بشریت بوده است.

پاینده باد ایران؛ زنده باد فروغ ابدی خرد ایرانی.

ققنوس ایران زمین، از دل خاکسترِ قرن‌ها سکوت، برپا می‌خیزد!!!

محمدرضا یحیایی

عضو کوچکی از خانواده بزرگ دانشمندان و اساتید ایران زمین

۱۴۰۴/۲/۱۵